

جنبه‌های ادبی آثار حضرت عبدالبهاء

وحید رافقی

با اظهار تشکر عمیق از دوستانی که باعث و بانی تشکیل این انجمن نورانی شده‌اند موضوع عرایض خود را که نظری به جنبه‌های ادبی آثار حضرت عبدالبهاء است به اختصار مطرح می‌نمایم.

چند نکته‌ای که در باره این موضوع به صورت مقدماتی باید در نظر داشت آن است که حضرت عبدالبهاء تا آنجا که می‌دانیم در ایام ادرنه، یعنی در حدود سال ۱۸۶۳ م، آغاز به نویسندگی نموده‌اند و قلم آن حضرت تا نوامبر ۱۹۲۱ م که به جهان بالا شتافته‌اند همواره در حرکت و نگارش بوده است، یعنی قریب به شصت سال به نوشتن اشتغال داشته‌اند.

آثاری که در این مدت طولانی به زبان فارسی، عربی و ترکی، به نظم و نثر از قلم آن حضرت جاری شده به بیش از ۳۵۰۰۰ اثر بالغ می‌شود. این آثار که حاوی کتب و رسالات عدیده و چندین هزار مکاتیب کوتاه و بلند است در صبح و شام، سفر و حضر، ایام جنگ و صلح، و آرامش و اغتشاش عزّ صدور یافته و منعکس‌کننده افکار آن حضرت در ایام جوانی، میان‌سالی، و کهولت است. ایامی که با حبس و اسارت، آزادی و سفر، تنهائی و مصیبت، شادمانی و مسرت، صحت و بیماری قرین بوده است.

مخاطبین این آثار شیخ و شاب، عامی و عارف، زن و مرد، شرقی و غربی، بی‌دین و متدین: زردشتی، شیعه، سنی، یهودی و مسیحی، سنتی و متجدد، عرب و عجم و ترک و فرنگی، غم‌دیدگان، زجرکشیدگان، فقراء و اغنیاء، و خلاصه از هر صنف و طبقه و مقام و نژاد و ملیتی بوده‌اند. در این آثار کثیره که به مدت شصت سال از قلم حضرت

عبدالبهاء خطاب به صدها نفر مرقوم شده تعداد بیشماری از قضایای فلسفی، کلامی، و تاریخی مطرح گردیده است. شرح و بسط وقایع تاریخی امر بهائی، شرح اصول اخلاقی بهائی، قضایای نظم اداری، شرح و تفسیر آیات کتب مقدسه قبل و احادیث اسلامی، حلّ و فصل قضایای مذهبی اهل ایمان، مسائل مربوط به عهد و پیمان و ده‌ها مطلب و قضیه دیگر در شرح سیاست الهیه، تجدّد و مدرنیته، تحولات اجتماعی در جامعه، نظیر حقوق زنان، آزادی، استبداد و مشروطه‌طلبی، تعلیم و تتریبیت و سایر مبادی روحانی و اجتماعی امر بهائی از جمله صدها موضوعی است که در این آثار شرح و بسط یافته است.

تعداد مناجات‌ها و زیارت‌نامه‌هایی که از قلم آن حضرت عزّ صدور یافته خود به صدها فقره بالغ می‌گردد.

مقصود از ذکر این چند نکته مقدماتی آن است که طولانی‌بودن دوره جولان قلم حضرت عبدالبهاء از یک طرف و کثرت آثار آن حضرت، تنوع میادینی که قلم مرکز میثاق در آنها به حرکت آمده و تنوع باورنکردنی مشارب و ادواق مخاطبین این آثار از طرفی دیگر، ارائه بحثی جامع و کامل و شامل را در باره جنبه‌های ادبی آثار حضرت عبدالبهاء غیرممکن می‌سازد. به این دلیل شاید بهتر آن بود که مثلاً جنبه‌های ادبی رساله مدنیه یا مناجات‌های آن حضرت محل توجه قرار می‌گرفت، اما چون موضوع صحبت جنبه‌های ادبی آثار آن حضرت به طور کلی است، ناچار کلیاتی را در این مورد مطرح می‌سازد:^۱

در مبحثی که مطرح خواهد شد آثار عربی، ترکی، و اشعار حضرت عبدالبهاء مطمح نظر نخواهد بود و صرفاً به بررسی اجمالی و کلی آثار منثور فارسی حضرت عبدالبهاء خواهیم پرداخت. به بیان دیگر موضوع عرایض بنده سبک‌شناسی نثر آثار فارسی حضرت عبدالبهاء خواهد بود.

سبک در لغت به معنی گداختن زر و سیم است و مترادفاتی نظیر «شیوه»، «طرز»، و «استایل» (style) دارد. در اصطلاح علوم ادبی سبک عبارت از مشخصات و عناصری است که در آثار یک شخص یا آثار یک دوره خاص و یا آثاری که در منطقه‌ای خاص نوشته شده است تکرار می‌شود و یا عبارت از وجوه مشترکی است که در آن آثار وجود دارد.^۲

مثلاً می‌گوئیم سبک سعدی، یعنی مشخصات و عناصری از نحوه نگارش سعدی که در آثار او تکرار شده و وجه مشترکی در آثار او دارد و به این نحو آثار او را از آثار سایرین متمایز می‌سازد.

سبک خراسانی و سبک هندی مشخصات مشترک کیفیت نگارش در این مناطق است. و یا سبک نگارش عصر صفوی و یا دوره مشروطیت و یا سبک نگارش نثر فارسی در دوره معاصر که مشخصات تکراری و مشترک بین نوشته‌های نویسندگان این ادوار را بررسی می‌نماید.

نثر که در مقابل نظم به کار می‌رود نوشته‌ای است که فاقد وزن‌های عروضی است، اما ممکن است در آن نوعی قافیه که به آن سجع می‌گویند به کار رود. رعایت سجع از مشخصات عمده در بسیاری از آثار حضرت عبدالبهاء است. مقصود از سجع استفاده از کلمات هم‌آهنگ در عبارات یک نثر است. استفاده از سجع در نثر نظیر استفاده از قافیه در شعر است. سجع انواع مختلفی دارد: نظیر سجع متوازن، و سجع متوازی و سجع مُطَرَف. مثلاً در عبارت سعدی که در گلستان می‌گوید: "هر نفسی که فرو میرود ممد حیات است و چون بر می‌آید مفرح ذات"، کلمات «حیات» و «ذات» که هم‌آهنگ هستند سجع مُطَرَف را در این عبارت تشکیل می‌دهند.^۳

با توجه به آنچه گفته شد نثر حضرت عبدالبهاء در بسیاری از مکاتیب آن حضرت نثر مسجع است و استفاده از سجع یکی از مشخصات اصلی آثار آن حضرت محسوب می‌گردد.

از انواع نثر فارسی یکی نثر محاوره‌ای است که فاقد سجع است و فنون و قواعد دستوری نیز در آن رعایت نمی‌شود. مقصود از نثر محاوره‌ای فقط آن است که پیغام و مطلبی از گوینده به گیرنده انتقال یابد. نوع دیگر نثر، نثر خطابی است که باید خوش‌آهنگ و فصیح باشد و الفاظ مناسب در آن به کار رود.

نوع سوم نثر، نثر مرسل است که در مقابل نظم قرار می‌گیرد. نثر مرسل دارای نظام و ترتیبی منطقی است، معانی و مفاهیم در چنین نثری واضح است و کلمات درست به خدمت گرفته شده‌اند و نکات و قواعد دستوری در این نثر رعایت می‌شود. نثر مرسل خود طیف وسیعی دارد که از نثر مرسل ساده آغاز می‌شود و طرف دیگر آن به نثر مرسل عالی می‌رسد.

نوع چهارم نثر، نثر فنی است که غالباً الفاظ و تزئینات و صنایع لفظی در آن به وفور به کار می‌رود و مطلب و مفهوم متن، تحت الشعاع الفاظ و سجع و اطناب و مترادفات قرار می‌گیرد.^۴

نثری که در غالب آثار حضرت عبدالبهاء مشاهده می‌شود اگر نثر مسجع روان یعنی بدون تعقید و تکلف نباشد، نثر مرسل در طیف وسیع آن است: جملات کوتاه، انطباق لفظ و معنی، اجتناب از اطناب و ایجاز مُخل، رسائی، شیوائی و روشنائی مطلب از مشخصات اصلی نثر مرسل حضرت عبدالبهاء است که به تناسب وضع و مقام و مطلب و مقتضیات مخاطب در بین نوع ساده و عالی آن در گرایش است. در نثر مرسل حضرت عبدالبهاء بلاغت کلام یعنی رسائی و اقتضای آن نسبت به موضوع و موقعیت گیرنده متن، و بلاغت آن حضرت که بتوانند منظور و پیام خود را به سهولت، شیوائی و چیرمزبانی بیان نمایند مشهود و هویدا است.

در تاریخ تحولات نثر فارسی بسیاری از آثار حضرت عبدالبهاء به نثر دوره مشروطیت تعلق دارد. از مشخصات بارز نثر این دوره سادهنویسی، ورود واژه‌های اروپائی به زبان فارسی و تأثیرپذیری نثر فارسی از اصطلاحات جعلی عربی متداول در زبان ترکی است که در زبان فارسی وارد شده است: نظیر «وضعیت»، «مشروطیت»، «منورالفکر»، که از اصل عربی گرفته شده و در زبان ترکی و از آنجا در نثر فارسی این دوره به کار رفته است.

از مشخصات دیگر نثر این دوره حذف محسوس مترادفات، تقلیل استفاده از صنایع تزئینی در سخن و احتراز از اطناب و رو آوردن به ایجاز است. از نظر محتوا، در نثر دوره

مشروطیت، اندیشه‌های نو در زمینه آزادی، وطن، قانون، استبداد، و مشروطه‌خواهی در ادبیات این دوره وارد می‌شود و رواج روزنامه‌نویسی و افکار ترقی‌خواهی و تجدّدطلبی نثر دوره مشروطیت را به طرف مردمی‌شدن و جلب توجه افکار و انظار عامه سوق می‌دهد.

از آثار مهم نثر دوره مشروطیت معمولاً از آثار میرزا ملکم خان، نظیر وزیر و رفیق، و آثار طالبوف نظیر کتاب احمد و مسالک المحسنین و سفرنامه ناصرالدین شاه و سفرنامه امین الدوله و سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ و چرند و پرند دهخدا سخن به میان می‌آید.^۵ با توجه به کلیاتی که در باره سبک‌شناسی نثر فارسی و مشخصات اصلی نثر دوره مشروطیت بیان شد دیگر مشخصات عمده نوشته‌های فارسی حضرت عبدالبهاء را در ارتباط با سیر تحولات نثر فارسی در عصر آن حضرت مطرح می‌سازیم. این مشخصات در بسیاری از آثار آن حضرت کراراً ملاحظه می‌گردد و وجه مشترک اغلب مکاتیب ایشان را تشکیل می‌دهد. ناگفته بر این حقیقت همگی گواهند که حضرت عبدالبهاء در ایام طفولیت ایران را ترک نموده‌اند، تحصیلات مدرسی کاملی نداشته‌اند و تمام سالهای نویسندگی ایشان در ادرنه و بعد در عکا طی گشته و در این سنین به کتابخانه‌ها و مراکز علمی و ادبی و دانشگاهی نرفته و به آنها دسترسی نداشته‌اند. از مشخصات اصلی سبک شناسی آثار منثور حضرت عبدالبهاء استنهاد به اشعار عربی و فارسی، آیات و احادیث اسلامی، و قصص و تمثیلات تاریخی و تصویرسازی وسیع مبتنی بر اسطوره‌های سنتی ادبی، عرفانی و تاریخی است. دیگر مشخصه بارز نثر فارسی آن حضرت استفاده سرشار از کلمات و اصطلاحات عربی متداول در متون اصیل عرفانی، مذهبی و ادبی فارسی است که در آثار حضرت عبدالبهاء خوش به کار رفته، جایگزین شده و بر بنیه زبان فارسی دو صد چندان افزوده است. کاربرد مراعات نظیر، حسن مطلع و مقطع بی شک چند مشخصه عمده و بارز در بسیاری از آثار آن حضرت است.

انواع و اقسام فنون و صنایعی که برای آرایش سخن به کار می‌رود، نظیر جناس، ارسال المثل، ایهام، تشبیه، استعاره و کنایه، مدح، حسن طلب، حماسه و مبالغه در حدی بسیار لطیف، ظریف، متوازن و طبیعی تقریباً در همه مکاتیب آن حضرت حضوری بارز و پُر جلوه دارد.

عنصر اساسی دیگری که در سبک نثر حضرت عبدالبهاء خودنمایی می‌کند استفاده از صنعت «ایجاز» است. در اصطلاح علوم ادبی ایجاز عبارت از بیان مطلب با استفاده از کمترین لغات و الفاظ ممکن است، بدون آن که در تفهیم مطلب و رساندن مقصد اشکالی پدید آید. ایجاز ممکن است با حذف کلمات باشد، اما کلمات باقی مانده از عهده بیان مطلب برآیند و معانی و مفاهیم کلمات محذوف را نشان دهند. ایجاز ممکن است با «قصر»

همراه باشد و آن عبارت از عرضه مطالب به صورت فشرده و با استفاده از کمترین کلمات و بدون حذف الفاظ است. ایجاد مُخل که البته مطلوب نیست تفهیم مطلب و انتقال پیام را با مشکل روبرو می‌سازد و سبب تعقید در کلام می‌شود. رعایت ایجاز از مهمترین انواع مهارت در فنون ادبی است و بسیاری از آثار حضرت عبدالبهاء شاهکاری در رعایت ایجاز محسوب می‌گردد.^۶

از مشخصات و عناصری که در نثر حضرت عبدالبهاء مورد توجه قرار گرفته و در علوم بلاغت و صناعات ادبی از آن بسیار تجلیل می‌شود اصل «مطبوع» بودن متن است. «مطبوع» در اصطلاح ادبی سخنی است که به خاطر زیبایی ترکیب، حسن بیان و استفاده بی تکلف از صنایع بدیعی به حدی از جذابیت و کشش می‌رسد که سخن در دل خواننده می‌نشیند و طبیعی بودن، روانی، روشنی، دل‌آرامی و دلفریبی آن خواننده را به خود جذب می‌کند، او را به وجد می‌آورد و حتی گریان، خندان، و شاد و پاکوبان می‌کند.^۷

شرط وصول سخن به این درجه از استحکام، ظرافت، نفوذ و تأثیر در اصطلاح علوم معانی و بیان رعایت اصل «مساوات» است. مساوات در علوم ادبی رعایت حدّ منطقی میانه اطناب و ایجاز و توازن و تساوی بین موضوع و مطلب سخن با زبان است. به بیان دیگر اصل مساوات در ادبیات ناظر به توازن بین لفظ و گفتار و یا الفاظ و معانی است.^۸

توضیح این مطلب آن که در هر نثری دانسته و آگاهانه و یا ندانسته و بدون اراده ممکن است موضوع، بر زبان ارجحیت و تسلط یابد و یا زبان (یعنی الفاظ و صنایع لفظی) بر موضوع ارجحیت و تسلط پیدا نماید. کتب علمی و تاریخی و نثر محاوره‌ای صحنه تسلط موضوع بر فنون ادبی است. در کتب و مقالات ادبی طبیعتاً الفاظ و زیبایی‌های زبانی تسلط بر موضوع می‌یابد. اما اصل مساوات در فن نگارش توازن بین لفظ و گفتار و یا توازن بین موضوع و فنون ادبی را توصیه می‌کند. واضح است که در آثار عدیده متنوعه مختلفه حضرت عبدالبهاء که در مواضع گوناگون و برای مقاصد و افراد مختلف و در حالات و شرایط بسیار متفاوت مرقوم شده همه جا اصل مساوات و توازن بین لفظ و معنا به یک نحو و درجه رعایت نگردیده، اما گویی حضرت عبدالبهاء در هر حال توجه به این اصل اساسی داشته‌اند که معنا فدای لفظ نشود و لفظ در تحت تسلط معنا سبک، کم‌معنا، ثقیل و یا مبتذل نباشد.

آنچه در نتیجه توجه به عناصر و شرایط نثرنویسی مطبوع در سبک نگارش حضرت عبدالبهاء جلوه نموده مردمی شدن ادبیات فاخر فارسی و رواج یافتن افکار جدید و اندیشه‌های نو در آثار منثور آن حضرت است.

در اینجا باید به این نکته توجه داشت که حضرت عبدالبهاء در مقام یک نویسنده، مورخ، شاعر، ادیب، روزنامه‌نگار و یا حتی متفکری در علوم و روابط اجتماعی دست به قلم

نبرده‌اند، بلکه چهره اصلی آن حضرت عبارت از رهبری یک نهضت روحانی و مذهبی است. در این مقام است که حضرت عبدالبهاء از همه فنون، صنایع، وسایل و ابزار زبانی خود کمک گرفته‌اند تا حقایق وابسته به یک فرهنگ روحانی جدید را به خوانندگان خود القا نمایند. واضح است که در جریان این مجاهدت چاره‌ای نبوده است تا ادب فارسی را مردمی نمایند و اندیشه‌های مذهبی، کلامی، فلسفی و اجتماعی این نهضت جدید را در مرتبه اولی به پیروان خود و در مرحله بعد به همه دوستان و هموطنان غیربهای خود و در مرتبه‌های دیگر به همه اهل عالم ابلاغ دارند.

گسترش ابعاد مردمی‌شدن ادب فارسی بوسیله نثر فاخر حضرت عبدالبهاء در نتیجه صدور هزارها مکتوبی است که برای هزاران بقال، زارع، شهرباف، خیاط، رنگرز، تاجر، عالم، موظف دولت، زنان دهاتی و شهری، بی‌سواد و باسواد و کم‌سواد، معلمین، مبلغین، و خلاصه هر صنف و طبقه و شغل و مقام و رتبه‌ای مرقوم داشته‌اند و این نفوس که مخاطب این آثار به صورت فردی و یا جمعی قرار گرفته‌اند نه تنها عناصر تازه اعتقادی و فکری را در محتوای فرهنگی جدید دریافته‌اند، بلکه با مرکوب این افکار یعنی زبان این آثار نیز خو گرفته‌اند.

آنچه در ورای صناعات ادبی حضرت عبدالبهاء از قلم آن حضرت تراوش نموده عذوبت، قدرت حیات‌دهی و تحرکی است که از ذهن و عاطفه آن حضرت جریان یافته و جام زیبایی زبان آن وجود مبارک را مملو ساخته است. آنچه نشئه ابدی می‌بخشد، پرورش می‌دهد و روح را سرشار می‌سازد محتویات جام بلور و جواهر نشان است و الا جام به خودی خود فقط چشم را مایه نوازش است.

محتویات جام زبان حضرت عبدالبهاء تعلیم است، تربیت است، تشویق و تحریض است، بالا بردن سطح افکار، امیال، آرزوها، توقعات و ارزش‌های عالیه است، عرضه شواهد تدنی و ابتدال روح انسانی و ارائه اسباب و وسایل ترقی آن است. در این تکاپو و گیر و دار است که افکاری نو در مفاهیم آزادی، تجدد، دیانت، ترک تعصب، کمال‌طلبی، و حب بنی نوع انسانی، خمیرمایه نثر حضرت عبدالبهاء می‌شود و این افکار که روح این عصر است در بهترین، زیباترین، مرصع‌ترین، و فاخرترین قوالب نثر فارسی عرضه می‌گردد. سبک حضرت عبدالبهاء از دیدگاه اندیشه و جهان‌بینی، سبکی است که از درون‌نگری و جهان‌نگری خاص آن حضرت مایه گرفته و در شیوه بیان آن وجود مبارک به صورتی شاخص پدیدار شده است. درون‌نگری و جهان‌نگری حضرت عبدالبهاء از یک طرف نتیجه تأمل در خود و تفکر و تعمق در عالم وجود است و از طرف دیگر نتیجه غور بلا انقطاع حضرت عبدالبهاء در آثار و افکار و مبادی قیمه‌ای است که در کلمات و آیات

حضرت نقطه اولی و جمال اقدس ابهی نازل گردیده است؛ غوری که در عین حال در حدّ تعشّق و تعبد به عهد و میثاق آنان جلوه نموده است. جهان‌نگری ژرف و پُرمایه حضرت عبدالبهاء در عین حال ناظر به تغییرات دینی، اجتماعی و سیاسی روزگار در خاورزمین و عالم وجود است و از طرف دیگر ریشه‌ای متین و استوار در کتاب مقدّس، قرآن، عرفان و ادب غنی شرق به زبان فارسی و عربی دارد.

چون امسال سال ۲۰۱۲ میلادی و مصادف با صدمین سال سفر حضرت عبدالبهاء به غرب است پایان سخن را به ذکر مناجاتی زینت می‌دهد که در روز اول ماه سپتامبر ۱۹۱۲ در انتهای نطق آن حضرت در کلیسای موحدین مونتریال از لسان حضرت عبدالبهاء جاری شده است. این اثر که شاهدهی بر طلاق لسان، ایجاز در عبارات، روانی متن و سادگی بیان از نظر فنون و صنایع زبانی است، در ورای قواعد ادبی و فنون حاکم بر عالم الفاظ، از عظمت فکر و عمق اندیشه و اعتلای در طلب نشانی آشکار دارد و والاترین مقصد در تحوّل تاریخی حیات اجتماعی جامعه بشری را مسئلت می‌نماید. در این قبیل آثار که در بین آثار حضرت عبدالبهاء فراوان است، هممه‌الفاظ، زبان و زیباییهای آن وجودی نامرئی می‌یابند تا پیام و اندیشه جلوه نماید و معنی دریافت شود. این خصیصه اصلی سبک و شیوه حضرت عبدالبهاء است. مناجات مزبور چنین است:

"پروردگارا مهربانا، این جمع توجه به تو دارند. مناجات بسوی تو نمایند. در نهایت تضرّع به ملکوت تو تبثّل کنند و طلب عفو و غفران نمایند. خدایا این جمع را محترم کن. این نفوس را مقدّس نما. انوار هدایت تابان کن. قلوب را منور فرما. نفوس را مستبشر کن. جمیع را در ملکوت خود داخل فرما و در دو جهان کامران نما. خدایا، ما ذلّیلیم. عزیز فرما. عاجزیم، قدرت عنایت فرما. فقیریم، از کنز ملکوت غنی نما. علیلیم، شفا عنایت کن. خدایا، برضای خود دلالت فرما و از شئون نفس و هوئی مقدّس دار. خدایا، ما را بر محبت خود ثابت نما و بر جمیع خلق مهربان فرما. موقّق بر خدمت عالم انسانی کن تا بجمیع بندگان خدمت نمائیم، جمیع خلقت را دوست داریم و بجمیع بشر مهربان باشیم. خدایا، توئی مقتدر، توئی رحیم، توئی غفور، توئی بزرگوار."^۹

(خطابات مبارکه - طبع طهران، ۱۲۷ بدیع)

یادداشت‌ها

- ۱- در باره مطالعاتی که در زمینه سبک و سیاق آثار حضرت عبدالبهاء صورت گرفته است می‌توان به دو مقاله جناب دکتر راسخ در منابع ذیل مراجعه نمود :
- «صنایع لفظی و بدیعی در آثار پارسی حضرت عبدالبهاء»، خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (لندگ : آکادمی لندگ، ۱۹۹۰م)، ج ۱، صص ۱۰۰ - ۱۲۹.
 - «صُور خیال در نثر پارسی حضرت عبدالبهاء»، خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (دارمشتات : عصر جدید، ۲۰۰۳م)، ج ۱۴، صص ۲۴۹ - ۲۸۰.
- و نیز نگاه کنید به مقاله «سبک امری کدام است؟» اثر جناب دکتر فریدون وهمن در خوشه‌های مذکور در فوق (ج ۱، صص ۳۵ - ۵۳).
- ۲- برای مطالعه مطالب مربوط به سبک و سبک‌شناسی نثر فارسی به اثر ذیل مراجعه فرمائید :
- حسن اندیشه، دانشنامه ادب فارسی (طهران : مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه، ۱۳۷۵ه.ش)، ج ۱، صص ۴۵۸ - ۴۶۵ و ۴۷۳ - ۴۷۵.
- ۳- برای مطالعه مطالب مربوط به سجع و انواع آن به دانشنامه ادب فارسی، ج ۱، صص ۴۷۷ و اثر ذیل مراجعه فرمائید :
- جلال‌الدین همائی، فنون بلاغت و صناعات ادبی (طهران : توس، ۱۳۶۱ه.ش)، دو جلد در یک مجلد، ج ۱، صص ۶ - ۸ و ۴۱ - ۴۳.
- ۴- مطالب مربوط به «نثر» و انواع آن می‌تواند در دانشنامه ادب فارسی، ج ۱، صص ۸۷۳ - ۸۷۴ مورد مطالعه قرار گیرد.
 - ۵- برای مطالعه مطالب مربوط به سبک نثر فارسی در دوره مشروطیت به دانشنامه ادب فارسی، ج ۱، صص ۴۷۴ مراجعه فرمائید.
 - ۶- مطالب مربوط به صفت «ایجاز» در دانشنامه ادب فارسی، ج ۱، صص ۱۵۸، می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد. حضرت عبدالبهاء در بیانات شفاهی خود که در بدایع الآثار (محمود زرقانی، طبع آلمان : لجنة ملی نشر آثار، ۱۹۸۲م، ج ۲، صص ۳۶۴) آمده است چنین می‌فرمایند :
- "... عریضه مفصلی بنظر مبارک رسید که چون تمام آنرا خواندند فرمودند به بینید که ورق باین بزرگی را بخط ریزه سیاه کردند و من با این حالت خوانده‌ام می‌بینم از اول تا آخر یک مطلب ندارد. تحریر و انشاء باید محض اداء مطالب و اظهار مقاصد باشد، نه صرف تعارفات و ترتیب عبارات..."
- اثر ذیل به نقل از مکاتیب عبدالبهاء (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۴ بدیع، ج ۸، صص ۲۱۱) یکی از شواهد بارز ایجاز در کلام حضرت عبدالبهاء است :

هو الله

جناب اسد، بجان یاران قسم که وقت گفتن و خفتن و نگاشتن ندارم و این دو کلمه را مانند تنقل مینگارم، زیرا مشغول کارم و سنگین بارم. تو میدانی و از مختصر مفصل میخوانی. صحت حاصل، راحت زائل. شب میدان خطابست، روز انهماک در جوابست. صبح غلغله است، شام ولوله است، ظهر دمدمه است، نیمه‌شب زمزمه است، وقت سحر همهمه است. دیگر ملاحظه کن که چه خبر است. ع ع

برای ملاحظه مجموعه‌ای از آثار حضرت عبدالبهاء در باره مفاهیم فصاحت، بلاغت و سایر فنون و صناعات ادبی به مجله پیام بهائی (شماره ۱۱۹، اکتبر ۱۹۸۹م، صص ۳ - ۵) مراجعه فرمائید.

۷- برای مطالعه مطالب مربوط به کلام «مطبوع» به ذیل این اصطلاح در فنون بلاغت، ج ۲، صص ۴۱۰ - ۴۱۱ و دانشنامه ادب فارسی، ج ۱، ص ۸۲۱ مراجعه فرمائید.

۸- قضایای مربوط به «مساوات» در فنون ادبی در فنون بلاغت، ج ۲، ص ۴۱۰ و دانشنامه ادب فارسی، ج ۱، ص ۸۰۸ شرح و بسط یافته است.

حضرت عبدالبهاء دی یکی از الواح مبارکه که در کتاب مأخذ اشعار در آثار بهائی (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۲۰۰۴م)، ج ۴، ص ۱۵۷، به طبع رسیده چنین می فرمایند:

"هو الابهی ای ناظر الی الله فارسی و عربی و ترکی همه لسان عاشقان جمال جانان است. عشق را خود صد زبان دیگر است. مقصد معانی است، نه الفاظ؛ حقیقت است، نه مجاز. صهبای حقایق و معانی در هر کاسی گوارا، خواه جام زرین باشد و خواه کاسه گلین. ولی البته جام بلور و مرصع لطیف‌تر است. والبهاء علیک. ع ع
و در یکی از بیانات شفاهی خود (بدیع‌الآثار، ج ۱، ص ۱۷۵) می‌فرمایند:
"... بیان باید به مشرب حضار و اقتضای وقت باشد و حسن عبارات و اعتدال در اداء معانی و کلمات لازم ...".

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوحی که در مجله پیام بهائی (شماره ۱۱۹، اکتبر ۱۹۸۹، ص ۴) به طبع رسیده است چنین می‌فرمایند:

"شیراز بواسطه بشیرالهی علیه بهاء الله جناب آقا میرزا محسن وکیل‌الرعا علیهم بهاء الله الابهی. ای یار روحانی، نامه شما رسید و از الفاظ و مبادی، حلاوت معانی مشهود گردید. سبحان الله لفظ مانند جام است و معانی نظیر باده. چون جام در نهایت لطافت و باده در نهایت حلاوت نور علی نور گردد. الفاظ یاران چون صراحی زجاجی است و معانی آن صهباء روحانی، چون هر دو در رسائل دوستان اجتماع نمایند روح و ریحان حاصل گردد و دلیل حقیقت و روحانیت وجدان باشد ..."

یکی از آثار حضرت عبدالبهاء که حاوی جلوه‌های بارز از فنون عدیده بلاغت می‌باشد لوح مبارک ذیل است که در مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء (طهران: لجنه ملی محفظه آثار، ۱۳۳ بدیع، شماره ۲۱، ص ۱۵۲) به طبع رسیده است:

تبریز

جناب حاجی محمد اوغلی علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای سرگشته کوی حق، بعضی از دوستان الهی ستایش نمودند که آن جناب الحمد لله بر صراط مستقیم ثابت و در جنت نعیم وارد. در ظل علم میثاق محشورید و در محفل اهل اشراق منظور. در افق محبت الله ستاره روشنید و از نفحات ملکوت ابهی حقیقه پر از گل و ریحان و سوسن. پس دوستان آن اقلیم را خطاب کن و بگو: عین معین است که جاری از یمین عرش برین است، و حقیقه بهشت برین است که پر از ازهار و ریاحین است، سپهر پر نور است که پرتو جمال نیر رب غفور است، نغمات حمامه قدس است که فرح بخش جان و دل اهل فردوس است، علم عهد است که بر فراز هر کوه بلند است، منشور میثاقست که لوح محفوظ نیر آفاقت. پس ای عاشقان، ای مشتاقان خود را از پرتو تجلی جمال قدم و اسم اعظم روحی و ذاتی و کینونتی لعباده الفداء محروم و مهجور نمائید و در گرداب تزلزل و اضطراب میندازید. سراب را آب گمان نمائید و وهم را علم مشمرید. نعیب را از هدیر فرق دهید و گل را از گل بشناسید، منصوص را فدای ظن محسوس نمائید، مبین مخصوص را بشبهات و اشارات تبدیل مکنید. عع

۹- حضرت عبدالبهاء، خطابات مبارکه (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۷ بدیع)، ص ۲۳۲.